

ایرانیان و قیام مختار



بی شک یکی از مهم ترین ویژگی ها و یا به تعبیری درس هایی که قیام شکوهمند کربلا به جوامع اسلامی به ویژه علویان، شیعیان و هواداران اهل بیت داد، درس های مقاومت بود و از جمله تحرکات و تحولاتی که بیانگر ظلم ستیزی و پایبندی شیعه و هواداران اهل بیت بود، حضور در قیام مختار است.

بی شک یکی از مهم ترین ویژگی ها و یا به تعبیری درس هایی که قیام شکوهمند کربلا به جوامع اسلامی به ویژه علویان، شیعیان و هواداران اهل بیت داد، درس های مقاومت بود و از جمله تحرکات و تحولاتی که بیانگر ظلم ستیزی و پایبندی شیعه و هواداران اهل بیت بود، حضور در قیام مختار است.

نهضت مختار که می توان آن را در زمره ی اولین عکس العمل ها و یا بازتاب های مردمی پس از فاجعه ی خونبار کربلا دانست، ویژگی های قابل توجهی داشت که مهم ترین آنها فریاد بازگشت به اسلام نبوی، مقاومت در برابر ظلم و ستم و انحرافات آشکار بنی امیه، بیان مظلومیت خاندان پیامبر و سیدالشهدا بود.

در این مقاله سعی شده است قیام مختار به عنوان یک حرکت سیاسی، اعتقادی تبیین گردد و نیز نقش و موقعیت ایرانیان به عنوان هواداران و مدافعان اهل

بیت، در خونخواهی از امام حسین مورد بررسی مختصر قرار گیرد. امید است مورد قبول واقع گردد.

نهضت امام حسین برخاسته از متن اسلام نبوی و علوی و بر ضد ستمگران اموی به سرکردگی یزید بن معاویه بود. نهضت او نهضت آزادی و احیای اسلام و پیکار با رژیم منحوس یزیدی بود. این نهضت توانست مسلمانان مظلوم، از جمله مردم محروم ایران را به سوی خاندان رسالت سوق دهد. خون پاک و جوشان شهدای کربلا قیام هایی به وجود آورد که ایرانیان در اکثر این قیام ها از جمله قیام مختار شرکت فعال داشته اند؛ چه اینکه پیام خونبار امام حسین گسترش تشیع را توان و سرعت بخشید و احساسات پاک انسان های آزاداندیش را - که در ایران از این گونه افراد بسیار بودند- به جوش آورد و جوانمردان با انصاف را بر ضد بنی امیه که دشمنان قسم خورده شیعه بودند، برانگیخت و خط سرخ تشیع را در پیشانی پدیده های عصر ترسیم نمود.

علامه سیدمحسن امین عاملی در اثر نفیس خود می نویسد: «هنگامی که حسین کشته شد، اکثریت مسلمانان این حادثه را فاجعه بسیار بزرگ شمردند؛ حتی بعضی از اموی ها تکان خوردند و برتری خاندان پیامبر را دریافتند و از ظلمی که بر آنها شده بود، متأثر گردیدند و حتی احساس کردند در حمایت از آل محمد تقصیر و کوتاهی نموده اند. این حادثه باعث شد بسیاری از بنی امیه از دستگاه اموی جدا شوند (1) و به بنی هاشم و علویان

گرایش بیابند. شیعیان خاندان نبوت زیاد شدند؛ به علاوه جریان تلخ حره- که یزید در سال 63 هجری در مدینه به وجود آورد- و جریانات توأبین و حادثه «نهر خازر» و مانند آن موجب رویگردانی بسیاری از مردم از بنی امیه شد... و بر جمعیت شیعه در میان تابعان و طبقات بعد از تابعان می افزود... این افزایش و گرایش [به تشیع] همچنان تا آخر حکومت بنی امیه در شهرهایی مانند حجاز، یمن، عراق، کوفه، بصره، مصر، خراسان و سایر شهرهای ایران مخصوصاً در قم ادامه داشت و اکثر شیعیان در کوفه و خراسان بودند...» (2).

مختار فرزند ابوعبید ثقفی از سرداران عرب است. پدر او در جنگ قدسیه از سران لشکر اسلام بود که به شهادت رسید. مختار همواره دشمنی خود را با امویان اظهار می داشت و در ماجرای کربلا در زندان دشمنان به سر می برد. (3)

دشمنان و شایعه سازان و مزدوران بنی امیه برای خنثی سازی علل قیام مختار اتهامات بسیاری به وی وارد کردند. برخی گفتند: او ادعای پیامبری دارد. زمانی او را پیرو مذهب «کیسانی» خواندند و گاهی نیز شایع کردند که امامان اهل بیت به قیام او راضی نبودند، بلکه او را از قیام نهی کرده اند؛ (4) ولی آنچه از بسیاری منابع، از جمله مآخذ شیعی به دست می آید، آن است که مختار امیری شجاع و مسلمان شیعی اعتقاد بود و به خونخواهی شهدای کربلا برخاست و در این راه ثابت و استوار ماند تا به شهادت رسید.

او در روز چهاردهم ربیع الاول سال 66 هجری قیام خود را در کوفه آغاز کرد. عبدالله بن مطیع را که از طرف عبدالله بن زبیر فرماندار کوفه بود، برانداخت و کوفه و سپس اطراف آن را به تصرف خود درآورد. حکومت او یک سال و نیم طول کشید و سرانجام در 14 رمضان سال 67 هجری در جبهه ی جنگ با سپاه مصعب بن زبیر به شهادت رسید و قبرش در کنار حضرت مسلم بن عقیل در کوفه قرار دارد.

آنچه در اینجا موردنظر است، شرکت فعال ایرانیان در قیام مختار و شهادت بسیاری از آنهاست.

کوفه نزدیک مدائن و شهرهای ایران قدیم بود؛ سپس پایتخت یا مرکز حکومت امام علی شد؛ از این رو ایرانیان بسیاری در آن ساکن بودند و رفت و آمد می کردند که به عنوان «مالي و حمراء» خوانده می شدند. (5)

در ماجرای کربلا، اشراف کوفه - که از اعراب بودند- جزء سپاه دشمن به شمار می آمدند. (6) حمایت ننمودند؛ چرا که رابطه ی معنوی خاصی با امام علی و آل علی داشتند و طبعاً در ماجرای کربلا به کنار گذاشته شده بودند و در یک موقعیتی بودند که نتوانستند امام حسین را یاری نمایند؛ ولی هرگز متهم به قتل حضرت سیدالشهداء نبودند؛ لکن زمینه و آمادگی آن را

داشتند که در فرصتی که به دست می آید و با توجه به آنکه از یاری امام حسین محروم شده اند، بتوانند بر ضد دشمنان او بجنگند و خونخواران یزیدی را که فاجعه ی غمبار کربلا را به وجود آوردند، در هم بکوبند. (7)

نتیجه نهضت حسینی که برخاسته از بعثت شکوهمند نبوی و سیره علوی بود، در طول تاریخ همواره به عنوان الگویی پاک و راستین آویزه وجود انقلابیون تاریخ اسلام و ملت های مسلمان از جمله ایرانیان شد. این حرکت الهی اسوه ای بود که با توجه به ویژگی های حرکت سیدالشهداء در حماسه ی خونبار کربلا، پس از نهضت آن حضرت عکس العمل هایی را علیه منحرفین و به ویژه بنی امیه ایجاد نمود. بنابر اعتقاد بسیاری از مورخین و وقایع نگاران از جمله تاریخ نویسان شیعی، نهضت مختار با همراهی عده ی قابل توجهی از ایرانیان بر آن بود که با خونخواهی شهدای کربلا، حکومتی متناسب با مرام اهل بیت را جایگزین بنی امیه و زیربان نماید. حضور فعال ایرانیان به عنوان آزاداندیشان معتقد به اسلام راستین نبوی و محبان خاندان پیامبر نشانگر اعتقادات بسیاری از ایرانیان به تشیع از همان صدر اسلام است که عکس العمل علیه این همراهی ایرانیان، طرد مختار از ناحیه اشراف عرب بوده است.

به جز قیام مختار در برخی نهضت ها و یا قیام هایی که بازتاب حماسه ی حسینی و با عنوان خونخواهی سیدالشهداء بوده است و در نیمه ی دوم قرن اول و یا نیمه ی اول قرن دوم هجری به وقوع پیوسته است، رد پای ایرانیان و شرکت فعال آنان محسوس است که از آن جمله می توان به قیام عبدالرحمن بن محمد اشعث و قیام های زید بن علی بن الحسین و یحیی بن زید اشاره نمود.

پی نوشت ها:

*مدرس تاریخ اسلام و تمدن اسلامی دانشگاه های اصفهان و مراکز تربیت معلم.

1. حتی این مسئله، یعنی اعتراف برخی از نوادگان و فرزندان امویان به گونه ای بود که ابوالفرج اصفهانی (متوفی 356 هـ ق) که بنا به نوشته اکثر مورخین از نژاد و نسب امویان بود، کتاب «مقاتل الطالبین» را در باب و موضوع کشته شدگان و مظلومیت خاندان ابوطالب و فرزندان رسول خدا نوشت. برای اطلاع بیشتر رک به: مقاله نگارنده (محمد حسین ریاحی) تحت عنوان: «سیری کوتاه در احوال و آثار ابوالفرج اصفهانی»، در روزنامه اطلاعات به تاریخ 17 آبان ماه 1372.
2. اعیان الشیعه؛ ج 1، ص 25.
3. ایرانیان مسلمان در صدر اسلام؛ ص 214.
4. رک به: ماهیت قیام مختار؛ فصل سوم، تحت عنوان تهمت های ناروا؛ ص 109-157.
5. جهت اطلاع بیشتر در باب موالی و یا حمراء رک به: تاریخ ایران بعد از اسلام؛ ص 339-410، تحت عنوان «موالی و نهضت ها».
6. با توجه به نوشته های منابع یا کتبی مانند اخبار الطوال، کامل ابن اثیر و تاریخ طبری این طور استنباط می شود که مردم کوفه به دو دسته عمده تقسیم می شدند: 1. اشراف 2. موالی.
7. رک به: ماهیت قیام مختار و نیز نقش ایران مسلمان در صدر اسلام.
8. رک به: تاریخ کامل ابن اثیر؛ ج 4، ص 227.
9. همان، ص 231.
10. ایرانیان مسلمان صدر اسلام؛ ص 216.
11. ترجمه اخبار الطوال؛ ص 344.
12. همان، ص 294.
13. همان؛ ص 343-344.
14. همان؛ ص 293.
15. همان.
16. تاریخ الطبری؛ ج 4، ص 562 و 567.
17. رک به: تاریخ الطبری؛ ج 4، ص 577 و نیز انساب الاشراف؛ ج 5، ص 263.
18. الفتوح؛ ج 6، ص 290 و 291.
19. تاریخ تشیع در ایران؛ ص 126.
20. ترجمه اخبار الطوال؛ ص 353.
21. تاریخ الطبری؛ ج 3، ص 496.
22. ایرانیان مسلمان صدر اسلام؛ ص 217.
23. همان؛ ص 218.
24. تاریخ ادیان، بعد از اسلام؛ ص 360.

1. ابن اثیر؛ الکامل فی التاریخ؛ بیروت: دار صادر، 1385ق.
2. بلاذری؛ انساب الاشراف؛ تحقیق محمدباقر مهدوی؛ بیروت: 1399ق.
3. جعفریان، رسول؛ تاریخ تشیع در ایران: از آغاز تا طلوع دولت صفوی؛ قم: انصاریان، 1385ش.
4. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود؛ اخبار الطوال؛ ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی؛ تهران: نی، 1364ش.
5. رضوی اردکانی، سیدابوفاضل؛ ماهیت قیام مختار (ابن ابی عبید ثقفی)؛ قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی حوزه علمیه

قم، [بي تا].

6. رياحي، محمدحسين؛ «سيري کوتاه در احوال و آثار ابوالفرج اصفهاني»؛ اطلاعات، 17/8/1372.
 7. زرين كوب، عبدالحسين؛ تاريخ ايران بعد از اسلام؛ تهران: اميرکبير، 1362 ش.
 8. طبري، محمد بن جرير؛ تاريخ الطبري؛ تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم؛ قاهره: [بي تا]، [بي تا].
 9. العاملي، سيد محسن امين؛ اعيان الشيعه؛ بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، [بي تا].
 10. کوفي، ابي محمد احمد بن اعثم؛ الفتوح؛ تحقيق علي شيدى؛ بيروت: دارالاضواء، 1421.
 11. محمدی اشتهاردی، محمد؛ ایرانیان مسلمان در صدر اسلام؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، 1371 ش.
- نشریه کنگره امام حسین (ع) و مقاومت، جلد 2.

نویسنده: محمدحسین ریاحی*

قیام مختار، این فرصت را به آنها داد. مختار نیز دریافته بود که ایرانیان یاران دلاور و نیکی برای قیام او خواهند بود؛ بر همین اساس به آنها گفت: «شما از من هستید و من از شما هستم». و این آیه شریفه را خواند: «انا من المجرمین منتقمون»: ما از مجرمان انتقام می گیریم (8) (سجده: 32). وقتی اشراف کوفه با عبدالرحمن بن مخنف برای پیکار با مختار مشورت کردند، عبدالرحمن به آنها گفت: «این را بدانید که موالی و ایرانیان مسلمان در کنار مختار هستند. آنها شجاعت عربی و حمیت عجمی دارند.» (9)

مختار ایرانیان را به قیام دعوت کرد. آنها برای وصول به سه هدف به قیام او پیوستند:

1. نابودی حکومت های ستمگر و نژادپرست اموی و زبیری؛
2. مطالبه خون امام حسین و حمایت از خاندان علوی؛
3. برقراری حکومت عدل علوی.

تعداد ایرانیان در سپاه مختار بسیار بود؛ حتی بعضی تعداد آنها را چهل هزار نوشته اند که اکثریت آنان را ایرانیان تشکیل می دادند. (10)

مورخ معروف، ابوحنیفه دینوری می نویسد: «مختار به سراغ قبیله همدان (تیره ای از یمن) فرستاد و ایرانیان را هم پیش خود جمع کرد و به آنان

گفت: می بینید که این قوم (دشمنان) چه می کنند؟ گفتند: آری. گفت: این کار را فقط برای اینکه شما را برایشان مقدم داشته ام، انجام می دهند. شما آزاده و بزرگوار باشید و آنان را تشویق کرد و همه را بیرون کوفه برد و شمرد، چهل هزار مرد بودند.» (11)

مؤلف اخبارالطوال در جای دیگر می نویسد: «در سپاه مختار که به فرماندهی ابراهیم بن مالک اشتر با سپاه ابن زیاد می جنگیدند، یک کلمه سخن عربی شنیده نمی شد و همه فارسی سخن می گفتند.» (12)

وی در موارد دیگر آورده است: «اموال فراوانی به عنوان کمک به قیام مختار از عراق، جبل، اصفهان، ری، آذربایجان و جزیره برای مختار می رسید و هیجده ماه بر این منوال بود. مختار ایرانیان را به خود نزدیک ساخت و برای ایشان و فرزندان شان مستمری (حقوق ماهیانه) تعیین کرد.» (13) تا اینکه می نویسد: «جل جند مختار حین الحرب مع شام ابناء الفرس»: اکثر لشکر مختار را در جبهه ی جنگ با شامیان ایرانیان تشکیل می دادند. (14)

وقتی مصعب بن زبیر در مورد چگونگی یاران مختار از محمد بن اشعث پرسید، او در پاسخ گفت: «سوگند به خدا آنها از ترک و دیلم (مردم شمال ایران) هستند.» (15)

در خبر دیگری نقل شده است که جمعیت ایرانیان در سپاه مختار تا آن

اندازه بود که در میان سپاه صحبت به زبان فارسی شنیده می شد. (16) پس از آنکه قیام مختار سرکوب گردید، مصعب بن زبیر که از طبقه اشراف بود و از طرف برادر خود عبدالله مأموریت سرکوبی این حرکت را یافته بود، گفت: «همه موالی باید از بین بروند.» (17) علاوه بر اینکه این نصوص تاریخی حاوی حمایت موالی (ایرانیان) از یک حرکت شیعی است، نشانه کثرت آنها در عراق است و بی شک حمایت و پایداری آنان قیام مختار را سرپا نگه داشته بود.

دلیل دیگر نفوذ مختار در بین ایرانیان، شیعی بودن حرکت وی بوده است. مهم ترین وعده سیاسی وی که بدان عمل کرد، انتقام از کشندگان امام حسین بود. او به این وعده عمل کرد و شمار زیادی را به قتل رساند. بنا به نوشته ابن اعثم و به نقل از محمد بن اشعث، او تا موقع فرار ابن اشعث به بصره، نزدیک به سه هزار نفر از متهمین به قتل امام حسین بن علی را از دم تیغ گذرانده بود. (18)

در حقیقت این مسئله طبیعی بود که پس از سرکوبی قیام مختار، ایرانیان به شدت صدمه ببینند؛ با این حال روشن بود که جامعه عراق نمی توانست بدون آنان زندگی کند. آنان نه تنها در انجام امور سخت جامعه افراد فعالی بودند، بلکه در کارهای علمی نیز از اعراب جلو افتادند؛ به طوری که در اواخر قرن اول، عموم علمای معروف شهرهای مهم اسلامی از موالی (ایرانیان) بودند. (19)

هرچند قیام مختار شکست خورد، اما تأثیرات قابل توجهی از خود برجای گذارد. ایرانیان نشان دادند مدافع اسلام حقیقی و طرفداران نهضت حسینی بوده اند؛ به طوری که با همراهی و همدلی آنان بسیاری از متهمان به قتل حضرت سیدالشهداء و در رأس آنان عبیدالله بن زیاد، عمر بن سعد و شمر کشته شدند. در این قیام خونبار، ایرانیان شهدای بسیاری دادند و بسیاری به اسارت درآمدند و با اینکه مصعب بن عمیر به آنها امان داده بود، همه را قتل عام کرد تا آنجا که دینوری می نویسد: «شش هزار تن از یاران مختار که دو هزار نفر آنها از عرب و چهار هزار نفرشان ایرانی بودند، اسیر شدند. مصعب گردن تمام آنها را زد» (20). به این ترتیب می بینیم تنها در این حادثه چهار هزار ایرانی مظلومانه به شهادت رسیده اند. طبری نیز در این مورد آورده است: «هشت هزار نفر از یاران مختار را اسیر کردند که از این افراد تنها هفتصد نفر عرب بودند. بقیه همه غیرعرب و ایرانی بودند. مصعب فرمان اعدام آنها را صادر کرد و این فرمان اجرا شد. او خواست عرب ها را نکشد، ولی در برابر اعتراض اطرافیان آنها را کشت» (21). عجیب است که حضور فعال ایرانیان در سپاه مختار باعث شکل گیری فتنه ها و تحریکاتی از سوی برخی اعراب و در نتیجه جدایی آنان و مشکلاتی در سپاه مختار شد که همین نیز از جمله مسائل مهمی بود که باعث شکست مختار گردیده است. در این مورد آمده است: «موالی (غیرعرب و ایرانیان) همان یاران مختار در قیامش بودند که شعار انتقام گیرندگان و مطالبان خون حسین را سرمی دادند و ظاهراً همین موضوع (حضور موالی در سپاه مختار) موجب کناره گیری عرب از مختار گردید» (22). پس از قیام مختار که حرکتی در دفاع از نهضت و حماسه بزرگ و تاریخ ساز کربلا بود و ایرانیان در این مسئله نقش بارز و مؤثری داشتند، همچنین در مذمت بنی امیه و فاجعه خونبار «طف» و ظلم بنی امیه عکس العمل ایرانیان در وقایعی دیگر هم انعکاس یافت؛ از جمله اینکه موالی افزون بر حمایت از بنی هاشم در جریان های دیگری نیز که کم و بیش جنبه ی ضد اموی داشت، شرکت می کردند؛ مثلاً در قیام عبدالرحمن بن محمد بن اشعث که بر ضد حجاج بن یوسف ثقفی (استاندار خونخوار عبدالملک بن مروان) بود، شرکت نمودند؛ (23) مخصوصاً وقتی که دانستند او با حسن مثنی (فرزند امام حسن مجتبی) بیعت کرده است، علاقه بیشتری به شرکت در قیام او نشان دادند. (24) البته بی شک باید بسیاری از قیام های صورت گرفته علیه امویان را ناشی از نهضت پربار امام حسین دانست و نقش مردم ایران و گروه های مختلف در مناطقی از این سرزمین بزرگ، مانند خراسان، اصفهان، گیلان و مازندران، فارس و سایر بلاد ایران زمین را در این حرکت ها به خوبی دریافت که یکی از بزرگ ترین آنها همچنان که آمد، قیام مختار و نقش ایرانیان بوده است.